

آمایش سرزمین و ایجاد تعادل

در نظام شهری کشور

اثر: دکتر احمد پورا احمد

دانشیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

(از ص ۴۷۹ تا ۴۹۰)

چکیده:

رشد انفجار آمیز جمعیت شهری کشور و گسترش خودجوش شهرها که با روند پرشتاب کنونی بر طبق خوشبینانه‌ترین برآوردها تعداد شهرهای کشور را تا سال ۱۴۰۰ به دو برابر شهرهای موجود افزایش خواهد داد، ساماندهی و آمایش نظام شهری و منطقه‌ای کشور را بیش از گذشته ضروری می‌سازد. هدف اصلی این مقاله تاکید بر آمایش سرزمین بعنوان راه اصلی ایجاد تعادل در نظام شهری کشور و جلوگیری از بحرانه‌های زیست محیطی و تخریب منابع طبیعی است. در این مقاله که با روش تحلیلی انجام شده است، پس از تبیین آمایش، ویژگیها، تاریخچه و زمینه‌های پیدایش آن در کشور مورد بررسی قرار گرفته است. سپس با توجه به تداوم روند توسعه شهری کشور در سالهای پس از انقلاب اسلامی و ناموزونی و عدم تعادل در سلسله مراتب نظام شهری کشور به تبیین آمایش سرزمین در جهت تعادل بخشی به نظام فضایی شهری کشور در چهارچوب راهبردها و برنامه‌های سوم توسعه کشور و برنامه‌های اجرایی آن پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: آمایش سرزمین، ایران، برنامه سوم توسعه، تعادل

فضایی.

مقدمه :

اندیشه "آمایش سرزمین" در کشور فرانسه با مشاهده عدم تعادل در توزیع جغرافیایی جمعیت، فعالیت و خدمات، همزمان با پیدایش تفکر برنامه ریزی شهری بمنظور بازسازی کشور پس از پایان جنگ جهانی دوم ظهور کرده است (توفیق، ۱۳۷۰: ۴).

"آمایش" استفاده بهینه و عقلانی و پی بردن به "ارزش‌های فضا" به منظور "کارکردهای مؤثر اقتصادی و اجتماعی" است و لذا "تقسیم کار سرزمین" از جنبه‌های مهم آن شمرده می‌شود. در برنامه ریزی آمایش سرزمین تشخیص مناطق مختلف سرزمین اهمیت اساسی دارد؛ زیرا پایه و مبنای برنامه شناخته می‌شود. برنامه آمایش دارای افق بلند مدت است و معمولاً دوره‌ای ۱۵ تا ۲۰ سال را زیر پوشش قرار می‌دهد. این برنامه خط و مرز بین برنامه کلان و برنامه‌های منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد. به دیگر سخن، برنامه آمایش، برنامه‌های منطقه‌ای را به برنامه‌های ملی پیوند می‌زند (وحیدی، ۱۳۷۳: ۷۵). از مهمترین اهداف این طرحها، بهسازی در ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی است (شعبه، ۱۳۷۸: ۱۲۰).

در این بررسی که با روش تحلیلی انجام می‌شود، با توجه به مشکلات نظام شهری کشور و روند حاکم بر آن به آمایش سرزمین در جهت تعادل بخشی به نظام فضایی شهری کشور براساس راهبردهای برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و برنامه‌های اجرایی آن پرداخته‌ایم.

آمایش سرزمین در ایران

در ایران از آمایش سرزمین می‌توان به عنوان ((سازماندهی مطلوب فضا در جهت نیل به اهداف و استراتژیهای توسعه ملی)) یاد کرد. بنابراین هدف کلی آمایش سرزمین سازماندهی فضا بمنظور بهره‌وری مطلوب از سرزمین در چارچوب منافع ملی است. در این تعریف اجزاء تشکیل دهنده فضا، جمعیت، فعالیت‌های

اقتصادی، اجتماعی و محیط است. آمایش سرزمین در ایران برای تنظیم ارتباط فی مابین انسان، فضا و فعالیت های انسان در فضا انجام می شود و لذا تأکید خاصی بر دیدگاه فضایی (مکانی، جغرافیایی) در برنامه ریزی توسعه و تکامل ملی دارد. هدف و آرمان چنین دیدگاهی ((توزیع و تقسیم)) جمعیت و فعالیتهای عمرانی در پهنه سرزمین، اجرای استراتژی بهزیستی برای فرد و جامعه، استفاده مطلوب از منابع طبیعی و نیروی انسانی در جهت کفایت اقتصادی و اجتماعی است (اشکوری، ۱۳۷۰: ۴۹).

از مهمترین ویژگیهای آمایش سرزمین می توان به مواردی چون، نگرش همه جانبه به مسائل، آینده نگری، دورنگری و نتیجه گیریهای مکانی از محتویات استراتژی توسعه ملی و عامل پیوند برنامه های کلان و برنامه های منطقه ای اشاره نمود (بحرینی، ۱۳۷۰: ۳۴۰). لذا برنامه ریزی منطقه ای باید در چهارچوب برنامه ملی انجام شود (Kuklinskil, 1978:6).

ناهماهنگی توسعه مناطق و نابرابریهای نواحی موجود و نیز شهرنشینی شتابان و ناهماهنگی توسعه شهر و روستا در اثر تمرکز فعالیتهای اقتصادی و تسهیلات خدماتی در شهرهای کشور سبب جدایی کامل مناطق شهری و روستایی و تخلیه روستاها از جمعیت و امکانات گردیده، سبب گرایش دولت به آمایش سرزمین قبل از انقلاب اسلامی گردید. نگاهی به سیر تحولات نظام سکونتگاهی و شهری کشور در این زمینه روشنگر است.

در دوره مشروطه سه جریان منجر به تحول نظام سکونتگاهی و شهری کشور شد، که عبارتند از:

- ۱- اضمحلال نظام ایلداری عشایری کشور ۲- گسترش روابط اقتصادی با نظام سرمایه داری ۳- رشد سرمایه داری شهری. لذا شهر در نظام سکونتگاهی کشور برتری یافته و به عنوان جایگاه تحقق روابط سرمایه داری در نظام سلسله مراتبی کشور نقش اول را از آن خود کرد (حبیبی، ۱۳۷۵: ۱۱۹).

پس از مشروطه در سال ۱۳۰۴ تجدد طلبان پیروز شدند. آنها با تکیه بر مدرنیسم و تغییر ارزشها موفق شدند که در بنیانهای اقتصادی و اجتماعی شهرها تغییراتی ایجاد کنند. طی سالهای ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ با حاکمیت نسبی پارلمانتاریسم، مجلس نمادی از برخوردهای نیروهای ملی و مردمی با سلطنت طلبان است. در سال ۱۳۲۸ قانون انجمن شهر نوشته شد (اگرچه از سال ۱۳۲۵ وزارت کشور قائم مقام انجمن شوراهای شهر بود). در سال ۱۳۲۹ انجمنهای ایالتی به تصویب رسید. در سال ۱۳۳۲ پس از کودتای ۲۸ مرداد بحث شوراها و انجمنها و نهادهای مردمی مسکوت ماند. در سال ۱۳۲۷ تا ۱۳۳۴ اولین برنامه ۷ ساله عمرانی کشور اجرا شده و در سال ۱۳۳۵ با کمک سپاه صلح آمریکا طرحهای هادی شهری شروع می شود. با ورود کارتل های نفتی آمریکایی و روی کار آمدن کندی، شاهد تجزیه ساختارهای روستایی و شکل گیری شبکه های صنعتی در مناطق خاص (تهران، اصفهان، کرج) هستیم. در سال ۱۳۴۱ همراه با شروع برنامه سوم، اصلاحات ارضی با انقلاب سفید صورت می گیرد که در نتیجه مهاجرت های روستایی به شهرها آغاز گردیده و سهم بخش کشاورزی نسبت به بخش های خدمات و صنعت کاهش یافت.

در سال ۱۳۳۴ وزارت آبادانی و مسکن از وزارت کشور جدا گردید. در سال ۱۳۴۵ با ورود کارتل های نفتی اقتصاد ایران به شدت تک محصولی شده، طی این سالها رشد شدید بخش خدمات را شاهدیم. در این زمان روابط سوداگرانه بسیار رونق گرفته است، زیرا جمعیت زیاد مهاجرین باعث پیدایش مشکل مسکن در شهرهای بزرگ گردید. این پدیده در سال ۱۳۵۰ به اوج خود می رسد. در طی این سالها افزایش درآمدهای ملی ناشی از نفت و حاکمیت اقتصاد تک محصولی وابسته به صادرات نفتی به صورت یک محرک قوی در شهر عمل می کند. لذا شهر کانون جذب ثروتها شد، که نتیجه آن توسعه و گسترش زیر ساختهای صنعتی و اقتصادی شهری بود و شهرگرایی بیشتر، به تمرکز شهری بیشتر منجر شد. مسأله تمرکز و شهرگرایی باعث اختلاف درآمد شهری و روستایی گردیده و روابط سنتی و همپای

شهری و روستایی به هم خورد. لذا سبب بروز مهاجرت‌های روزافزون روستاییان به شهرها گردید. پدیده مهاجرت اولاً سبب گسترش بسیار توسعه فیزیکی شهرها و گسترش حاشیه نشینی و زاغه نشینی و عدم هماهنگی ساختارهای فیزیکی شهری با ساختارهای اقتصادی و اجتماعی گردید. نتیجه این جریان رشد سریع شهرنشینی در کشور و در نهایت به هم ریختگی و ناموزونی و عدم تعادل فضایی کشور بود که امروز هم با آن دست به گریبانیم (نظریان، ۱۳۷۴: ۱۶۸).

آمایش سرزمین در مقابل بحرانهای شهری

بحرانهای شهری در حال انفجار بود که در اواسط دهه ۵۰-۱۳۴۰ فکر آمایش سرزمین در مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران بر اثر مشاهده ((سربزرگ تهران)) بر جثه تحقیق ایران)) پدیدار و تمرکززدایی مطرح شد. سرانجام در سال ۱۳۵۳ مرکز آمایش سرزمین در سازمان برنامه و بودجه افتتاح گردید و قرارداد مرحله نخست مطالعات آمایش سرزمین در قرارداد ۱۳۵۴ میان سازمان برنامه و بودجه و مهندسان مشاور ستیران مبادله گردید (توفیق، ۱۳۷۱: ۱۰).

مهمترین دشواریهایی که رژیم گذشته در سالهای دهه ۶۰-۱۳۵۰ با آن مواجه بود و آمایش سرزمین مدعی پاسخگویی و ارایه راه حل برای آنها بود به شرح ذیل می‌باشد:

- تمرکز سرمایه در بخش نوین و حاشیه‌ای شدن بخش سنتی؛
- رها کردن برخی از منابع طبیعی و فضاهای بسیار گسترده، همراه با بهره برداری افراطی توأم با تبذیر همین منابع در مناطق پرتراکم دیگر که نتیجه آن تخریب محیط زیست است؛
- مهاجرت مهارنشده روستاییان که به فقر نسبی مناطق بسیار گسترده حاشیه‌ای انجامید؛
- تمرکز جمعیت در فضایی محدود که عرضه آن در مقایسه با تقاضای روزافزون

رفته رفته گردید؛

- رشد شهری انفجارگونه همراه با تمرکز توانهای نوآوری و پویایی در شمار معدودی از شهرها و گسترش فضایی لجام گسیخته شهرهای بزرگ؛

- ناتوانی در مهار کردن رشد تهران و تمرکز نیروهای فعال کشور در استان مرکزی (که در آن زمان تهران را نیز در بر داشت) به زیان دیگر نقاط کشور؛

- هزینه‌های فزاینده این رشد که بخشی از آن بر دوش دیگر نقاط کشور است؛

- تشدید نابرابری‌ها در سطح زندگی و شیوه معیشت شهرها و روستاها، میان

استانها و میان شهرهای گوناگون؛

- سیر قهقرایی ساختارهای اجتماعی، میراث ملی و فرهنگ سنتی؛

گزارش مطالعات مرحله اول آمایش سرزمین در سال ۱۳۵۵ و مرحله دوم آن در

سال ۱۳۵۶ در چهار بخش منتشر شد.

تداوم بحران شهری کشور و آمایش سرزمین پس از انقلاب اسلامی

پس از انقلاب اسلامی حضرت امام (ره) در اولین اقدام حساب ۱۰۰ بنیاد مسکن انقلاب اسلامی را پایه گذاری کردند. جنگ تحمیلی عراق بر علیه ایران عدم تعادل‌های منطقه‌ای را تشدید نموده طی این زمان مهاجرت‌های روستایی و تمرکزگرایی شهری تداوم یافته و مشکلات شهرها افزایش می‌یابد. در سال ۱۳۶۰ طرح‌های آمایش سرزمین برای اولین بار در جمهوری اسلامی مطرح گردیده و اولین نتایج مطالعات انجام شده در اواسط سال ۱۳۶۳ انتشار یافت. اگرچه در حین جنگ تحقق آن با عدم توفیق روبرو بود.

در سال ۱۳۶۵ برای پاسخگویی به مشکل مسکن طرح آماده سازی زمین آغاز شد. در سال ۱۳۶۶ مسأله بافتهای تاریخی شهری در دستور کار وزارت مسکن و شهر سازی قرار گرفت. در سال ۱۳۶۷ بحث ایجاد شهرهای اقماری جدید مطرح و به دلیل مشکلات بی شمار کلان شهر تهران طرح انتقال پایتخت در سال ۱۳۶۸

مطرح گردید. در سال ۱۳۷۰ موضوع انبوه سازی مسکن و همچنین فروش تراکم رواج یافت. پس از اینکه در سال ۱۳۶۵ روش برنامه ریزی فضایی آمایش سرزمین در نظام برنامه ریزی کشور تصویب و سازمان برنامه و بودجه موظف به تهیه طرح تفصیلی آن گردید، متأسفانه پس از چند سال به دلیل ابهام در جایگاه تشکیلاتی طرح آمایش مطالعات با رکود و توقف نسبی مواجه شد. سرانجام شورای عالی اداری در سال ۱۳۷۱ وظیفه تهیه طرح آمایش سرزمین را به سازمان برنامه و بودجه و وظیفه تهیه طرحهای کالبدی و منطقه‌ای را به وزارت مسکن و شهر سازی واگذار نمود.

غفلت از آمایش سرزمین و تمرکزگرایی و دولت سالاری شدید با تکیه بر درآمدهای نفت سبب عدم توجه به مشارکتهای مردمی و منابع و درآمدهای منطقه‌ای و عدم توسعه محلی و منطقه‌ای کشور و فاصله زیاد مناطق نسبت به هم گردیده است (مجتهدزاده، ۱۳۷۶: ۱۳۱). طی یک بررسی انجام شده، با استفاده از ۴۱ شاخص اقتصادی، اجتماعی و زیربنایی ۲۵ استان کشور در سال ۱۳۷۵ با هم مقایسه شده‌اند (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۷). نتایج این بررسی تراکم و تمرکز در نقاط مشخصی از کشور را بروشنی نشان میدهد. گفتنی است که نسبت امتیازات استان تهران (۸۹/۴۹)، به عنوان برخوردارترین استان، به جمع امتیازات استان اصفهان (۵۲/۸۶) و استان کرمان (۳۴/۸۶)، به عنوان استانهای دوم و سوم به ترتیب ۱/۷ برابر و ۲/۵ برابر است. پس از استانهای مزبور، استانهای یزد، مازندران، خراسان، سمنان و فارس با مجموع امتیازات دو رقمی ۲۷/۱۲ تا ۱۸/۸۷ قرار گرفته و سپس بقیه استانها با مجموع امتیازاتی از ۶/۹۳ تا ۳۶/۱۱ - در رده‌های بعدی جای داشته‌اند. این بررسی تفاوت‌های جدی در برخورداری از سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی را نمایان می‌سازد. چنین تفاوت‌هایی قابل ملاحظه در سطح توسعه یافتگی استانها تنها با ایفای نقش متمرکز دولت از مرکز کشور و در چارچوب وظایف متمرکز و گسترش

آندسته از خدماتی که ارائه آنها بر عهده دولت است تعدیل نمیشوند، بلکه نیازمند سطوح مختلف، و در عین حال متناسب، تصمیمگیری است که بتواند بخشهای غیر دولتی عامل در امور اقتصادی - اجتماعی را، به فراخور حوزه فعالیت و مسؤلیت، به حرکت برای برقراری تعادل های منطقه ای وادار سازد. بنابراین هر رهنمود فراگیر برای برقراری تعادل های منطقه ای، در گام نخست از شکستن نسبی تراکم ها و تمرکزها در عرصه های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سرچشمه می گیرد. به عبارت دیگر نمیتوان به تعادل های منطقه ای در مفهوم گسترده آن دست یافت، بدون اینکه تراکم و تمرکز فعالیتها در نقاط مشخصی از کشور دستخوش تغییر نشود. این تمرکز نه تنها در سطح کشور بین استانهای مختلف نابرابریها آشکار بوجود آورده است، بلکه در درون استانها نیز بر پایه نظریه توسعه مرکز - پیرامون، تفاوتها را دامن زده است، و این خود نمود دیگری از زنجیره تمرکز و عدم تعادل است که از مرکز کشور به معدودی از مراکز مناطق گسترش داشته و از مراکز مناطق نیز به نواحی و کانونهای پیرامونی تعمیم یافته است.

از نظر توزیع استانی جمعیت، آمار سال ۱۳۷۵ نشان می دهد که ۱۷/۲٪ از کل جمعیت کشور در استان تهران و ۱۰٪ آن در استان خراسان سکونت داشته اند. بطور کلی نیمه شرقی کشور شامل ۷ استان و نیمه از وسعت کشور ۲۶٪ جمعیت را دارد. اگر سهم شهرهای مشهد و شیراز را در این نیمه در نظر بگیریم آنوقت کمی جمعیت این نیمه روشن تر می شود. تراکم جمعیت در این بخش به کمتر از ۱۰ نفر در کیلومتر مربع است. در حالیکه تراکم نسبی جمعیت در مجموعه شهری منطقه تهران بیش از ۱۰۰۰ نفر در کیلومتر مربع است.

استراتژی ایجاد قطب های رشد و اولویت تخصیص منابع به مناطقی خاص در گذشته موجب قطبی شدن فضای توسعه در کشور شده است که سبب عدم تعادل در کشور شده اند و لذا توزیع جمعیت شهرنشین کشور به شدت نامتعادل است. در سال ۱۳۷۵ بیش از ۳۳٪ جمعیت شهرنشین کشور در ۵ شهر تهران - مشهد -

اصفهان - تبریز و شیراز می‌زیسته‌اند. از طرف دیگر جمعیت ۵۵۰ نقطه شهری با جمعیت کمتر از ۵۰ هزار نفر کمتر از جمعیت این ۵ شهر می‌باشد و این در حالیست که حدود ۲۰ هزار روستای کشور کمتر از ۲۰ خانوار جمعیت دارند. ناموزونی توزیع جمعیت در استانها و مناطق شهری و روستایی آنها نیز متجلی است برای مثال در استان خراسان در سال ۷۵ بیش از ۵۴٪ جمعیت شهری استان در مشهد و ۴۶٪ آن در ۵۳ شهر دیگر استان زندگی می‌کرده‌اند. (جمعیت کل نقاط شهری استان خراسان ۳۴۲۱۹۳۷ نفر و جمعیت شهر مشهد ۱۸۸۷۴۰۵ نفر است). همچنین جمعیت شهر مشهد بیش از یازده برابر جمعیت شهر بعدی استان یعنی سبزوار (با جمعیت ۱۷۰ هزار نفر) بوده است (سازمان آمار، ۱۳۷۵: ۷۷). همچنین در استان کرمانشاه جمعیت شهر کرمانشاه با ۱۰۹۸۲۸۲ نفر نزدیک به دو برابر مجموع جمعیت ۱۸ نقطه شهری دیگر این استان (۶۹۲۹۸۶ نفر) بوده است (همان مأخذ: ۸۲).

از نظر مهاجرت، بین سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۷۵ جریانهای جمعیتی به سوی استانهایی است که ظرفیتهای تولیدی بیشتری را در خود دارند. وجود قطب‌های جمعیتی بزرگ جاذب فعالیتهای خدماتی و تولیدی است و موجب جذب جمعیت های جدیدی می‌شود که این سبب دور و تسلسل شده و فاصله این قطب‌ها را با مناطق عقب مانده بیشتر می‌کند.

در مجموع می‌توان علل اصلی نارساییهای موجود در سازمان فضایی موجود کشور در ساختار فضایی آن را در سه عامل زیر خلاصه کنیم:

- عدم وجود تفکر منسجم و نهادینه برای مدیریت سرزمین در سطوح مدیریتی کشور
- عدم وجود طرح و برنامه مصوب برای سازماندهی فضا در سه دهه اخیر
- عدم وجود نهاد مشخص و مسئول جهت مدیریت سرزمین

نتیجه اینکه در این دوره توسعه شهری بی‌رویه بوده و افزایش جمعیت شهرها بسرعت رشد کرده است. تعداد شهرها بسیار زیاد شده است، فضای جغرافیایی نامتعادل و ناموزون، روابط شهر و روستا گسسته، نظام شهرنشینی و سلسله مراتب

شهری به هم خورده است. از نظر توزیع جغرافیایی ناموزون و کلان شهرها غده‌های سرطانی فضای پهناور ایران زمین گشته‌اند. با توسعه شهرها اراضی کشاورزی پیرامون شهرها در حال از بین رفتن است. بخش خدمات شهری به شدت متورم شده است. اقتصاد مولد گذشته تبدیل به اقتصاد مصرفی شهری شده است.

حاشیه شهرها به علت حاشیه نشینی بسیار بی ریخت شده، ناهنجاری‌های فرهنگی و اجتماعی و عدم رعایت حقوق شهروندان مکرر اتفاق افتاده و مدیریت متمرکز و بسته شهری، مشکلات مردم را لمس نکرده است. مشکلات و مسائل زیست محیطی شهرها، را در خود فرو می‌برد. از نظر معماری و بافت و کالبد شهری شاهد دوگانگی‌ها از جمله معماری لوکس در یک سو و در سوی دیگر بافت فرسوده و ویران بخش تاریخی شهری بطور توأمان هستیم.

با توجه به رشد انفجاری جمعیت شهری که بر طبق محاسبات انجام شده تا سال ۱۴۰۰ حتی با فرض کاهش باروری، فقط جمعیت شهری ایران نزدیک به ۹۵ میلیون نفر خواهد رسید. لذا در طی سالی که در پیش رو داریم بایستی دو برابر همه شهرهایی که تاکنون از تاریخ چندین هزار ساله ما به یادگار مانده، یا به صورت گسترش شهرهای موجود و یا به صورت ایجاد نوسهرها و شهرکهای اقماری، شهر سازی جدید بشود. بنابراین لازم است با در نظر گرفتن دامنه اثر شهرها (حدوداً شعاع ۵۰ تا ۶۰ کیلومتری اطراف شهرها) تقریباً سراسر زمینهای حاصلخیز (عملاً همه زمینها بجز کویرها و ارتفاعات زیاد) به این امر اختصاص یابد. گسترش خودجوش یا به اصطلاح طبیعی شهرها پیامدهای زیانباری داشته‌است که از آن جمله می‌توان به تخریب منابع طبیعی، محیط زیست و میراث فرهنگی و همچنین نایمندی گسترش خودجوش شهرها از نظر سوانح طبیعی و سایر جنبه‌های حفظ امنیت ملی اشاره نمود.

نتیجه:

برای پیشبرد امر برنامه ریزی و توسعه منطقه‌ای و تحقق اهداف ذیل، کشور باید

به مناطق برنامه ریزی، متشکل از یک یا چند استان تقسیم شود (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۷۹: ۱۰۲).

الف: شکل‌گیری توسعه متوازن منطقه‌ای و عدالت اجتماعی
ب: تکیه بیشتر بر تجهیز و تقویت منابع و قابلیت‌های توسعه در مناطق
ج: تقویت مشارکت و تعلق خاطر مردم و مدیران در روند توسعه منطقه ذیربط
د: تأمین اختیارات متناسب با برنامه‌های توسعه منطقه‌ای برای مدیران و تشکل‌های منطقه‌ای

با توجه به رهنمودهای کلی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور در صورت تحقق یافتن آمایش سرزمین در زمینه تعادل‌یابی نظام مراکز سکونتگاهی کشور دستاوردهای ذیل مشخص خواهد گردید (سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۰: ۷۷ و ۸۲).

- ایجاد شبکه واحد سلسله مراتب مرکز سکونتگاهی با توجه به عملکردهای منطقه‌ای، ملی و فراملی شهری.

- گزینش و انتخاب شهرهای مستعد جهت تجهیز به خدمات برتر.
- تقویت شهرهای اصلی شبکه شهری از شهرهای کوچک تا کلان شهرها.
- ساماندهی نظام جمعیت.
- تقویت شبکه فی مابین شهری و حوزه‌های روستایی.
- تهیه طرح‌های توسعه و عمران منطقه‌ای و ناحیه‌ای با تأکید بر برنامه ریزی‌های یکپارچه توسعه شهری و روستایی.

- حفظ و نگهداشت جمعیت در محیط‌های روستایی متناسب با توان‌های محیطی از طریق توسعه بخش‌های نوین اقتصادی و ایجاد حرف جدید.
- ساماندهی اسکان‌های خودجوش عشایر از طریق مکان‌یابی مناسب.
- مهار شدن رشد منطقه شهری تهران و تمرکز زدایی از شهرهای بزرگ.
- ایجاد زمینه برای انتقال برخی فعالیت‌های تولیدی و خدماتی از منطقه شهری

تهران.

- عملکردی کردن شهرهای اقماری و جدید موجود.
- چگونگی مدیریت زمین و مسکن شهری کشور.

سپاسگزاری

بدین وسیله از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تهران که امکانات مطالعه و تحقیق را فراهم آورده‌اند تشکر و قدر دانی می‌نماید.

منابع:

- ۱- آسایش، حسین (۱۳۷۵) - اصول و روشهای برنامه ریزی ناحیه‌ای - دانشگاه پیام نور.
 - ۲- بحرینی، حسین (۱۳۷۱) - مفهوم و مشخصات طرح ریزی کالبدی -----
 - ۳- توفیق، فیروز (۱۳۷۱) طرح ریزی کالبدی در ایران و محورهای آن - مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران - مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین المللی طرح ریزی کالبدی.
 - ۴- حبیبی، سید محسن (۱۳۷۵) از شار تا شهر - دانشگاه تهران.
 - ۵- سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، دبیرخانه ستاد برنامه ریزی و نظارت (۱۳۸۰) - راهکارهای اجرایی قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳).
 - ۶- سازمان برنامه و بودجه (مهر ماه ۱۳۷۶) - بحثی پیرامون آمایش سرزمین، مفاهیم، ضرورتها و سابقه - دفتر آمایش و برنامه ریزی منطقه‌ای.
 - ۷- سازمان برنامه و بودجه (اسفند ۱۳۷۷) - گزارش مرحله اول فعالیتهای نظام برنامه ریزی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، پیش نویس رهنمودهای کلی.
 - ۸- سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی - اجتماعی و انتشارات (۱۳۷۹) - قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۷۹-۱۳۸۳).
 - ۹- وحیدی، پریدخت (۱۳۷۳) - آمایش سرزمین راهنمایی برای برنامه ریزی آموزش عالی ۱۰ - فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، شماره ۳ و ۴.
 - ۱۱- مجتهدزاده - غلامحسین (۱۳۷۶) برنامه ریزی شهری در ایران - دانشگاه پیام نور.
 - ۱۲- مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران (۱۳۷۱) - طرح ریزی کالبدی، مجموعه مقالات کنفرانس بین المللی طرح ریزی کالبدی (ملی و منطقه‌ای) - چاپ اول.
 - ۱۳- معصومی اشکوری، سید حسن (بدون تاریخ) - اصول و مبانی برنامه ریزی منطقه‌ای، سازمان برنامه و بودجه استان گیلان.
 - ۱۴- نظریان، علی اصغر (۱۳۷۴) - جغرافیای شهری ایران - دانشگاه پیام نور ایران.
- 15- Kuklinski(Feb,1978), A.Regional Planning Today. Thran, Plan Budget Organization.